

خبر

ایرلندی‌ها، قربانی اصلی سم‌های مجازی

پیام‌های توهین آمیز و نفرت‌برانگیز همچنان در فضای مجازی اروپا رواج دارد و افراد را به دلیل گرایش‌های سیاسی، نژاد و هویتشان هدف قرار می‌دهد. اما کدام کشورهای اتحادیه اروپا بیشترین میزان محتوای نفرت‌برانگیز را تجربه می‌کنند؟

بر اساس تازه‌ترین داده‌های یورواستات، در سال ۲۰۲۵ نزدیک به نیمی از کاربران اینترنت در ۲۰ کشور اتحادیه اروپا گفته‌اند با پیام‌هایی در فضای مجازی مواجه شده‌اند که گروه‌ها یا افراد خاص را هدف توهین و تحقیر قرار داده است.

بیشترین میزان مواجهه با این نوع محتوا در ایرلند، مجارستان، فنلاند و اسلواکی ثبت شده و کمترین میزان نیز مربوط به لتونی، یونان، آلمان و ایتالیای بوده است. این پیام‌ها طیف گسترده‌ای از گروه‌ها و افراد را هدف قرار داده‌اند. بیشتر کاربران گفته‌اند با پیام‌هایی روبرو شده‌اند که افراد را به دلیل دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی، نژاد و قومیت، گرایش جنسی یا باورهای مذهبی مورد حمله و توهین قرار می‌دهد. در برخی موارد نیز افراد به خاطر جنسیت، معلولیت، سن یا دیگر ویژگی‌های فردی با پیام‌های توهین آمیز مواجه شده‌اند. همچنین مطالعه‌ای که در نشریه علمی بین‌المللی «نیچر» منتشر شده نشان می‌دهد مردان جوان بیش از دیگر گروه‌ها در بحث‌های سیاسی آنلاین رفتار تهاجمی دارند. پژوهشگران این مطالعه می‌گویند پلتفرم‌های شبکه‌های اجتماعی ممکن است با تنش‌های گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که خارج از این پلتفرم‌ها شکل می‌گیرند، در هم تنیده باشند.

کدام شبکه‌های اجتماعی سمی‌تر هستند؟

بر اساس داده‌های «صدخانه اروپایی نفرت آنلاین» در سه‌ماهه پایانی سال ۲۰۲۵ اروپای غربی به‌طور مداوم بالاترین سطح از محتوای سمی و نفرت‌برانگیز را در میان مناطق اروپا ثبت کرده است. اروپای جنوبی نیز روندی مشابه اما با شدت کمتر داشته و در اواخر دسامبر افزایش محسوس را تجربه کرده که همسویا روند مشاهده‌شده در اروپای غربی بوده است. در مقابل، اروپای شرقی در مجموع پایین‌ترین سطح از محتوای سمی آنلاین را ثبت کرده است. بخش زیادی از مطالب با دیدگاه‌های نژادپرستانه همراه بوده و اغلب با موضوعات مذهبی و سیاسی گره خورده است؛ موضوعی که به گفته این گزارش، ماهیت ایدئولوژیک و مبتنی بر نظر‌های توطئه این نوع گفت‌وگو را نشان می‌دهد. در میان شبکه‌های اجتماعی پر مخاطب، شبکه ایکس سمی‌ترین فضا شناخته شده و پس از آن یوتیوب، فیس‌بوک، اینستاگرام و تیک‌تاک قرار دارند؛ هرچند سطح کلی این نوع محتوا ثابت مانده یا حتی در برخی موارد کاهش یافته است. برای مثال، ایکس در سال ۲۰۲۴ امتیاز ۰.۲۴ را در شاخص «صدخانه اروپایی نفرت آنلاین» ثبت کرد؛ رقمی که تفاوت چندانی با آمار سال ۲۰۲۵ ندارد.

جاسوس‌های روسی روی مخ اروپایی‌ها



رئیس سازمان اطلاعات و ارتباطات دولت بریتانیا موسوم به «جی‌سی‌ای‌کیو» هشدار داده اروپا و بریتانیا وارد «لحظه‌ای سرنوشت‌ساز» شده‌اند؛ جایی که تهدیدهای امنیتی، خرابکاری و حملات سایبری از سوی دولت‌های رقیب به‌ویژه روسیه، وارد مرحله‌ای بی‌سابقه شده است. به گزارش رویترز، بانتر، رئیس این نهاد اطلاعاتی در سخنرانی خود در بلجی پارک اعلام کرده مسکو به‌طور فزاینده زیرساخت‌های حیاتی، نظام‌های دموکراتیک و اعتماد عمومی در کشورهای اروپایی را هدف قرار می‌دهد و لندن در حال مقابله با موجی از عملیات‌های موسوم به «جنگ ترکیبی» است.

به گفته مقام‌های بریتانیایی، این تهدیدها تنها به حملات سایبری محدود نیست و شامل خرابکاری، نفوذ اطلاعاتی، حملات به شبکه‌های حمل‌ونقل و حتی تلاش برای مختل کردن زنجیره‌های تأمین فناوری می‌شود. رئیس جی‌سی‌ای‌کیو همچنین هشدار داد رقابت فناوریانه با چین و پیشرفت سریع هوش مصنوعی، شکاف امنیتی جدیدی برای غرب ایجاد کرده است. این هشدارها در شرایطی مطرح می‌شود که در هفته‌های اخیر چندین کشور اروپایی دیگر نیز از افزایش عملیات‌های جاسوسی و خرابکاری خبر داده‌اند. در آلمان، سازمان اطلاعات داخلی این کشور اعلام کرد تهدیدهای مرتبط با جاسوسی و خرابکاری علیه صنایع دفاعی و زیرساخت‌های حیاتی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. مقام‌های آلمانی گفته‌اند در سال ۲۰۲۵ صدها مورد عملیات مشکوک از جمله پرواز پهپادها بر فراز تأسیسات نظامی و صنعتی ثبت شده است. در لهستان نیز دستگاه‌امنیت داخلی این کشور هشدار داده روسیه و بلاروس در حال تشدید عملیات‌های «جنگ ترکیبی» هستند. بنا بر گزارش‌ها، تنها در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ حدود ۶۹ پرونده جاسوسی در لهستان باز شده؛ رقمی که معادل مجموع پرونده‌های مشابه در سه دهه گذشته عنوان شده است. همزمان چند کشور اروپایی از جمله آلمان، هلند و نروژ در روزهای گذشته سفرای روسیه را احضار کرده‌اند و اتحادیه اروپا نیز مسکو را به تلاش برای «بی‌ثبات‌سازی اروپا» متهم کرده است. در ماه‌های اخیر همچنین گزارش‌های متعددی درباره خرابکاری در کابل‌های زیردریایی دریای بالتیک، فعالیت «ناوگان سایه» روسیه، عملیات‌های آتش‌افروزی و حملات سایبری در اروپا منتشر شده است. برخی نهاد‌های پژوهشی غربی می‌گویند تعداد عملیات‌های منتسب به روسیه در اروپا از سال ۲۰۲۳ به بعد چند برابر شده و اکنون به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های امنیتی اروپا تبدیل شده است.

ترامپ در تکاپوی مهندسی انتخابات درون حزبی است اما دموکرات‌ها بر نقطه‌ضعف‌های او متمرکز شده‌اند

جنب‌وجوش فیل‌ها، تمرکز الاغ‌ها



با وجود دستاوردهای جمهوری خواهان در انتخابات مقدماتی و حوزه‌بندی دوباره، بسیاری از نظرسنجی‌ها و تحلیلگران هنوز شانس مناسبی برای دموکرات‌ها در انتخابات نوامبر پیش‌بینی می‌کنند

عرصه سیاسی آمریکا به نام «حوزه‌بندی دوباره» این روزها به یک فاکتور مهم تبدیل شده است. حوزه‌بندی دوباره امسال در چندین ایالت اجرا می‌شود. این فرایند معمولاً هر ۱۰ سال یک بار پس از سرشماری جمعیت انجام می‌شود، اما در این دوره شاهد حوزه‌بندی دوباره میان دهه در حدود هشت ایالت هستیم که پدیده‌ای نسبتاً نادر به شمار می‌رود. ایالت‌هایی مانند تگزاس، فلوریدا، کارولینای شمالی، اوهایو و تنسی نقشه‌های جدیدی تصویب کرده‌اند که پیش‌بینی می‌شود پنج تا ۱۲ کرسی خالص به نفع جمهوری خواهان جابه‌جا کند. در تگزاس، جمهوری خواهان با استفاده از قدرت کامل ایالتی توانستند حوزه‌ها را به شکلی طراحی کنند که حوزه‌های رقابتی را به نفع خود تغییر دهند. این اتفاق که در ابتدا با انتقاد تند رقیبای ترامپ روبه‌رو شد خیلی زود توسط آن‌ها تکرار شد و دموکرات‌ها نیز در کالیفرنیا و چند ایالت دیگر واکنش نشان دادند و نقشه‌های خود را به‌روزرسانی کردند. رأی‌دیوان عالی آمریکا در آوریل ۲۰۲۶ نیز با محدود کردن بخش‌هایی از قانون حقوق رأی، راه را برای این تغییرات تسهیل کرد. این حوزه‌بندی‌های دوباره می‌توانند بدون تغییر واقعی در آرای مردم، چندین کرسی را جابه‌جا کنند و تأثیر عمیقی بر نتیجه نهایی بگذارند.

انتقاده‌ها به حوزه‌بندی دوباره

با وجود این، این تغییرات با انتقادهای گسترده‌ای همراه شده است. بسیاری از تحلیلگران، حقوق‌دانان و فعالان سیاسی معتقدند حوزه‌بندی دوباره حزبی، دموکراسی را تضعیف کرده و اصل نمایندگی عادلانه را زیر سؤال می‌برد. منتقدان می‌گویند با تکنیک‌هایی مانند متمرکز

از ماه مارس (اواخر اسفند) تاکنون، انتخابات مقدماتی (درون حزبی) در ایالت‌های مختلف در جریان بوده و تا سپتامبر (مهر ماه) ادامه خواهد یافت. در حزب جمهوری خواه، دونالد ترامپ نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. او تاکنون صدها حمایت رسمی از نامزدهای مختلف اعلام کرده و در بسیاری از رقابت‌ها موفق بوده است. یکی از برجسته‌ترین پیروزی‌ها، موفقیت روز گذشته کل پاستون، دادستان کل تگزاس در دور دوم انتخابات مقدماتی سنا بود. پاستون با حمایت صریح ترامپ توانست جان کورنین، سناتور کهنه‌کار و با نفوذ تگزاس را شکست دهد. این رویداد به عنوان یک پیروزی بزرگ برای جناح تندرو ترامپ تلقی می‌شود و نشان داد منتقدان سابق رئیس‌جمهور در حزب جمهوری خواه دیگر جای ایمنی ندارند. این نخستین بار در تاریخ مدرن تگزاس بود که یک سناتور جمهوری خواه رابایافته به مجلس در انتخابات مقدماتی شکست می‌خورد. پیش از این در کنتاکی نیز اد گالرین، دیگر نامزد مورد حمایت ترامپ توانست توماس مسی، یکی از منتقدان سرسخت ترامپ در مجلس نمایندگان را کنار بزند. موارد مشابهی نیز در آلاباما گزارش شده که نامزدهای مورد حمایت ترامپ به مراحل بعدی راه یافتند و در جورجیا و پنسیلوانیا نیز چالشگران مورد حمایت او عملکرد قابل توجهی علیه نمایندگان منتقد او داشته‌اند.

از آن طرف اما در سمت دموکرات‌ها، انتخابات مقدماتی آرام‌تر و متمرکزتر پیش می‌رود. نامزدهای این حزب عمدتاً بر مشکلات اقتصادی، تورم، حقوق زنان و انتقاد از سیاست‌های مهاجرتی و تجاری دولت ترامپ تمرکز دارند. دموکرات‌ها امیدوارند با بهره‌برداری از ناراضیاتی‌های اقتصادی و اجتماعی، رأی‌دهندگان مستقل و جوان را به سمت خود جذب کنند.

«حوزه‌بندی دوباره» یک عامل قدیمی اما مهم در انتخابات ۲۰۲۶

در میان این دعوای‌های سیاسی، یک عامل قدیمی در

نیک‌بندار | کمتر از پنج ماه تا برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا باقی مانده است و برعکس چندین دوره پیشین، انتخابات این دوره به‌ویژه در میان جمهوری خواهان هرروز داغ‌تر از روز قبل می‌شود. علت اصلی این گرم شدن تنور انتخابات آمریکا را هم باید مشخصاً در عملکرد جمهوری خواهان دانست؛ جایی که ترامپ و دوستانش عملاً در حال مدیریت دو انتخابات هستند؛ انتخابات درون حزبی برای از دور خارج کردن مخالفان ترامپ و انتخابات پارلمانی به‌منظور انتخاب نمایندگان که بتوانند با دموکرات‌های آماده و طلبکار رقابت کنند. انتخابات این دوره در روز سوم نوامبر ۲۰۲۶ (۱۲ آبان ۱۴۰۵) برگزار خواهد شد و در حال حاضر ایالات متحده در اوچ مرحله انتخابات مقدماتی درون حزبی قرار دارد. این رویداد سیاسی یکی از مهم‌ترین آزمون‌ها برای دولت دونالد ترامپ به شمار می‌رود، زیرا نتیجه آن مستقیماً بر میزان آزادی عمل او در دو سال پایانی ریاست‌جمهوری‌اش تأثیر خواهد گذاشت.

انتخابات میان‌دوره‌ای هر دو سال یک بار (دوسال پس از انتخابات ریاست‌جمهوری) برگزار می‌شود. هدف اصلی این انتخابات تعیین ترکیب کامل مجلس نمایندگان با ۴۳۵ کرسی و حدود یک سوم کرسی‌های مجلس سنا معادل ۳۵ صندلی است. کنگره به عنوان قلب قانون‌گذاری آمریکا، مسئولیت تصویب تمام قوانین فدرال، تخصیص بودجه سالانه دولت، تأیید انتصابات کلیدی رئیس‌جمهور و حتی نظارت بر عملکرد اجرایی را بر عهده دارد. به همین دلیل، هر تغییری در ترکیب کنگره می‌تواند سیاست‌های دولت را به‌طور اساسی تحت تأثیر قرار دهد. از نظر تاریخی، حزب رئیس‌جمهور در این انتخابات تقریباً همیشه با شکست مواجه شده و تعدادی صندلی از دست داده است. این پدیده به «مجازات میان‌دوره‌ای» معروف است و ریشه آن در ناراضیاتی طبیعی بخشی از رأی‌دهندگان از عملکرد دولت پس از دو سال فعالیت است.

تفاوت با انتخابات ریاست‌جمهوری

سیستم انتخاباتی آمریکا با بسیاری از کشورهای پارلمانی متفاوت است. در این کشور هر چهار سال یک بار، انتخابات بزرگ ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود که در آن، مردم همزمان رئیس‌جمهور، همه کرسی‌های مجلس نمایندگان و بخشی از کرسی‌های مجلس سنا را انتخاب می‌کنند. اما در انتخابات میان‌دوره‌ای مانند سال جاری، رئیس‌جمهور انتخاب نمی‌شود و رقابت صرفاً بر کنترل کنگره متمرکز است. این انتخابات درواقع یک همه‌پرسی غیررسمی از عملکرد دولت فعلی به حساب می‌آید. اگر دموکرات‌ها بتوانند کنترل یکی یا هر دو مجلس را بدست آورند، می‌توانند بسیاری از برنامه‌های ترامپ را متوقف کنند، تحقیقات جدید راه‌بندازند و بودجه مورد نظر او را محدود کنند. برعکس، حفظ اکثریت توسط جمهوری خواهان به ترامپ قدرت قابل توجهی برای پیشبرد دستورکار خود در زمینه مهاجرت، اقتصاد و سیاست خارجی خواهد داد.

وضعیت فعلی رقابت‌ها و ترکیب کنگره

در حال حاضر جمهوری خواهان با اختلاف بسیار اندک، کنترل مجلس سنا را در دست دارند و ۵۳ کرسی از ۱۰۰ کرسی مجلس سنا هم متعلق به آن‌هاست. دموکرات‌ها برای بازپس‌گیری مجلس نمایندگان تنها به کسب چهار یا پنج کرسی خالص نیاز دارند که با توجه به تاریخ انتخابات میان‌دوره‌ای کاملاً ممکن به نظر می‌رسد. اما مجلس نمایندگان، دموکرات‌ها با چالش بزرگ‌تری روبرو هستند، زیرا تعداد بیشتری از صندلی‌های قابل رقابت متعلق به جمهوری خواهان است.

مقتدی صدر شاخه نظامی جریان خود را به دولت عراق واگذار کرد

معمای انحلال «سرایا السلام»

فشارهای فزاینده آمریکا بر بغداد تحلیل کرد. همزمان با تلاش عراق برای حفظ موازنه میان تهران و واشنگتن، گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی نیز از اعمال فشارهای اقتصادی و سیاسی آمریکا به بغداد حکایت دارد. یکی از همین نمونه‌ها توییت‌های صریح ترامپ در مخالفت با بازگشت (نوری المالکی) به قدرت بود. ترامپ تهدید کرده بود در صورت نخست‌وزیری او، دست‌ساز عراق به درآمدهای نفتی محدود خواهد شد. حملات با کیفیت گروه‌های مقاومت مردمی عراق به پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشور در طول جنگ تحمیلی سوم علیه ایران نیز موضوعی بود که سبب شد آمریکا، شرط دست‌سری عراق به درآمدهای نفتی اش را که تحت نظارت بانک فدرال رزرو نیویورک نگهداری می‌شود، معرفی عاملان حمله تعیین کند. با وجود اعلام رسمی این انحلال و ادغام در بیانیه‌های رسمی صدر و دولت، تحلیلگران درباره میزان اجرای واقعی این تصمیم تردید دارند. تجربه‌های پیشین نشان داده برخی اعلام‌های مشابه، بیش از آنکه به خلع سلاح واقعی بینجامد، نوعی جداسازی اسمی بوده است. به هر ترتیب، آنچه اهمیت دارد حفظ معادله‌ای است که در آن بتوان هم اقتدار دولت را حفظ کرد و هم ظرفیت جریان‌های مردمی مقاومت را که در شکست تروریسم و حفظ امنیت نقشی برجسته ایفا کرده‌اند، از گزند پروژه‌های مهار آمریکایی مصون نگه داشت. واکنش‌های آینده گروه‌های مقاومت عراق همچون الحشد الشعبی، سنج‌های برای این موضوع خواهد بود.

محمد عوده، از فرماندهان قسام به همراه خانواده‌اش در روز عرفه به شهادت رسید

قد کشیدن مقاومت باوجود «سزدن» صهیونیست‌ها

پدراش در جبالیا و شهادت فرزند بزرگش انجامید، اما تدابیر حفاظتی شدید، ترور او را تا امروز به تعویق انداخته بود. حماس در بیانیه رسمی خود، محمد عوده را از نسل نخست بنیان‌گذاران کار جهادی و نظامی توصیف کرد؛ فرمانده‌ای که بیش از سه دهه در عرصه «ساخت، آماده‌سازی و برنامه‌ریزی» مقاومت نقش آفرینی کرد و سرانجام در روز عرفه و در سرزمین غزه به آرزوی رسید. شهادت محمد عوده را نمی‌توان صرفاً حذف یک فرمانده ارشد تحلیل کرد. این ترور در دل راهبردی رخمی‌دهد که رژیم صهیونیستی ماه‌هاست بر آن تکیه کرده است؛ حذف پی‌درپی فرماندهان مقاومت برای فرسایش توان سازمانی حماس و شکستن زنجیره فرماندهی. از محمدضیف و محمد سنوار تا عزالدین الحداد و اکنون محمد عوده، تل‌آویو بر این باور است که می‌توان با «قطع سر»، بدن مقاومت را از حرکت بازداشت. اما در سوی دیگر، حتی در برخی محافل امنیتی اسرائیل نیز تردیدهایی جدی درباره کارآمدی این راهبرد شکل گرفته است؛ «تساحی‌هنگبی» مشاور پیشین امنیت‌ملی رژیم صهیونیستی، در تحلیل‌های اخیر خود هشدار داده نباید صرفاً به دستاوردهای تاکتیکی دل خوش کرد. از نگاه او، مسئله اصلی فقط آن نیست که چه چیزی در غزه ویران شده، بلکه این است که چه چیزی از دل این ویرانی در حال برخاستن است. تجربه‌های پیشین نیز نشان داده مقاومت فلسطین بارها توانسته پس از ترور فرماندهان خود، ساختارهایش را بازسازی کند و از دل فشارها، چهره‌های جدیدی را به میدان بیاورد.